

نقش وزارت دربار در عصر پهلوی اول

دکتر جعفر آقا زاده

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

حسن محمدی

ارتباطات اجتماعی

۱۳۹۳

آقازاده، جعفر، ۱۳۶۳ -

نقش وزارت دربار در عصر پهلوی اول / تألیف جعفر آقازاده و حسن محمدی. تهران : نشر ارتباطات اجتماعی، ۱۳۹۳.

۱۷۴ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۶۷-۶۰۰ ریال ۱۳۰۰۰۰

کتابنامه

۱. ایران وزارت دربار شاهنشاهی ۲. ایران، وزارت دربار اعظم ۳. دربار و درباریان - ایران

۴. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ ۵. ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳

۱۳۴۴ ق. الف. حسن محمدی

DSR ۱۲۸۴/۵/۱۷ ۱۳۹۳۷

۹۵۵/۰۸۲۲

۳۵۱۱۸۱۲



نقش وزارت دربار در عصر پهلوی اول

مؤلفان: دکتر جعفر آقازاده (استادیار دانشگاه محقق اردبیلی)؛ حسن محمدی

ناشر: ارتباطات اجتماعی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۶۷-۵-۳

بخش و توزیع: ۰۹۱۲۳۲۷۴۷۰۸

تمام حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
---------------	---

فصل اول

پیشینه وزارت اعظم و وزارت دربار با تکیه بر دوره قاجاریه.....	۱۲
۱. نگاهی به گذشته.....	۱۳
الف) وزارت در ایران پیش از اسلام.....	۱۳
ب) وزارت در دوره ساسانیان.....	۱۴
ج) وزارت در دوره خلفا.....	۱۵
د) وزارت در دوره حکومت‌های مستقل ایرانی.....	۱۸
۲. وزارت در عهد قاجار.....	۳۲
۳. پیشینه وزارت دربار.....	۳۷
الف) وزارت دربار در تاریخ ایران.....	۳۷
ب- وزارت دربار در عهد قاجار.....	۴۰

فصل دوم

ساختار نظام سیاسی حکومت پهلوی اول.....	۴۴
۱. رویکرد نظری.....	۴۵
نظام مشروطیت (قانون اساسی) و نهادهای آن.....	۵۱
۲. مجلس.....	۶۲
الف) جایگاه و ماهیت مجلس در حکومت پهلوی اول.....	۶۲
ب) سماییت و سازوکار انتخابات در دوره پهلوی اول.....	۶۹
۳. کابینه ها.....	۷۳
۴. احزاب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری.....	۷۸
۵- مطبوعات سیاسی.....	۸۴

فصل سوم

وزارت دربار در عصر پهلوی اول.....	۹۳
۱. تیمورتاش، وزیر دربار پهلوی.....	۹۴
الف) پیشینه سیاسی.....	۹۴

ب) نقش تیمورتاش در به سلطنت رسیدن رضاخان	۹۸
ج) تیمورتاش و شکلگیری وزارت دربار بهلوی	۱۰۳
د) علل و عوامل قدرت گیری وزارت دربار	۱۰۶
ه) علل سقوط وزیر دربار	۱۱۱
ترس از بقای سلطنت بهلوی	۱۱۲
دوستی و معاشرت با وکیل الملک دیا	۱۱۳
توطئه دوستان و رقبا	۱۱۴
۵. ارتشا و فساد مالی	۱۱۵
و) نکاتی درباره تیمورتاش	۱۲۰
۲. ساختار وزارت دربار (تشکیلات سازمانی)	۱۲۲
۳. جایگاه حقوقی و سیاسی وزارت دربار در تشکیلات دولتی	۱۲۴

فصل چهارم

عملکرد وزارت دربار در عصر بهلوی اول	۱۲۹
۱. عملکرد وزارت دربار در دوره وزارت تیمورتاش	۱۳۰
الف) امور داخلی؛ نظارت و مداخله در ادارات و سازمانهای کشور	۱۳۰
ب) امور خارجه	۱۴۱
- دور اول مذاکرات در تهران (۱۹۲۹م/ ۱۳۰۸ ش)	۱۴۵
- دور دوم مذاکرات نفت در لندن (۱۹۳۰ - ۱۹۲۹م/ ۱۳۰۹ ش)	۱۴۵
- دور سوم مذاکرات نفت در تهران (از مارس ۱۹۳۰ تا مارس ۱۹۳۱)	۱۴۶
- دوره چهارم مذاکرات در تهران و لندن (از آوریل تا ژوئن ۱۹۳۲)	۱۴۶
- دور پنجم مذاکرات در تهران	۱۴۷
- دور ششم مذاکرات نفت	۱۴۸
- دور هفتم (ادامه مذاکرات نفت در تهران)	۱۴۹
- دور هشتم (آخرین دور مذاکرات نفت) در لوزان و لندن و پاریس	۱۴۹
عملکرد وزارت دربار در دوره وزارت محمود جم (۱۳۲۰ - ۱۳۱۸ ش)	۱۵۰
الف) پیشینه سیاسی محمود جم	۱۵۰
نتیجه گیری	۱۵۶
پیوست ها و ضمائم	۱۵۹
فهرست منابع	۱۶۹

پیشگفتار

حکومت پهلوی اول با توجه به تحولات مهمی که در این دوره اتفاق افتاد، یکی از دوره های مهم در تاریخ ایران به حساب می آید. در دوره پهلوی اول، ایران قدم در راه مدرنیسم گذاشته و گامهای مهمی در راه پیشرفت و تجدد برداشت. با توجه به شناختی که از رضاشاه داریم می توان اذعان کرد که این تحولات همگی نمی توانند ساخته و پرداخته ذهن پهلوی اول باشند، بلکه در این راه وی از وجود افراد زیادی که از زمان انقلاب مشروطیت در صحنه سیاست ایران حضور داشته و همچنین با مظاهر تمدن جدید جهانی نیز آشنایی کافی داشتند و میل شدیدی به مدرن کردن ایران داشتند، بهره می برد. این افراد اغلب بعد از کودتای اسفند ۱۲۹۹ در کنار رضاخان قرار گرفته و تلاش بی وقفه ای برای رسیدن رضاخان به مقام پادشاهی ایفا نمودند. در نظر این افراد ایران از نظر سیاسی و اقتصادی در شرایطی قرار داشت که روشهای دموکراتیک و اصول انقلاب مشروطه نمی توانست کشور را در مسیر ترقی و پیشرفت قرار دهد، بناچار نیاز به مستبدی قدرتمند و معتقد به پیشرفت و نوسازی ایران بود، تا با همفکری روشنفکران، اصلاحات اساسی برای خارج نمودن ایران از حالت سنتی و سوق دادن آن به سوی جامعه مدرن و متجدد را انجام دهد. از این قبیل افراد می توان به اشخاصی چون ذکاء المک فروغی، عبدالحسین تیمورتاش، علی اکبر داور و نصرت الدوله فیروز اشاره کرد.

این سؤال که در تحولات دوره پهلوی اول چه عواملی نقش داشتند و آیا شخص رضاشاه مصدر همه تحولات بود یا عوامل دیگری نیز در این تحولات نقش داشتند، از ابتدا ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده و در پی یافتن فرصتی برای تحقیق در این موضوع بودم. لذا تألیف این کتاب فرصت مناسبی به نگارنده داد تا نقش تیمورتاش را در قالب وزیر دربار پهلوی به عنوان یکی از عوامل مهم در تحولات دوره پهلوی اول مورد تحقیق و پژوهش قرار دهم.

وزارت دربار در عصر پهلوی اول که بعد از به سلطنت رسیدن رضاخان بوجود آمد، به علت عوامل چندی نقش مهمی بر عهده داشت. وزارت دربار به علت ناآگاهی شاه پهلوی از امور سیاسی، در این حوزه نقش قاطعی البته زیر نظر شاه ایفا می کرد. در واقع نوعی تقسیم بندی وظایف بین شاه و وزارت دربار شده بود و وزارت دربار مسئول رسیدگی به امور سیاسی و شاه پهلوی مسئول رسیدگی به امور نظامی و در عین حال ناظر بر کلیه امور کشور بود. البته این وضع در تمامی دوران سلطنت پهلوی اول برقرار نبود و پهلوی اول در سال ۱۳۱۱ شمسی که نیاز چندانی به وجود و اعمال قدرت وزارت دربار احساس نمی کرد و همچنین از قدرت روزافزون وزارت دربار احساس خطر می کرد تصمیم به برچیدن این وزارتخانه کرد و آن را تا سال ۱۳۱۸ شمسی به حالت تعطیل درآورد و در سال ۱۳۱۸ که دوباره این وزارتخانه را احیا کرد، قدرت چندانی به آن تفویض نکرد. وزارت دربار پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰ شمسی با استعفا و خروج رضاشاه از کشور منحل شد.

وزارت دربار پهلوی اول در سال ۱۳۰۴ شمسی و بعد از رسیدن رضاشاه به سلطنت تشکیل گردید. رضا شاه، عبدالحسین تیمورتاش را به وزارت دربار برگزید، زیرا او هم نقش اساسی در به سلطنت رسیدن رضاخان داشت و هم بهتر از هر کس دیگری می توانست به اهداف رضاشاه در بوجود آوردن درباری قدرتمند و همردیف با دربارهای اروپایی جامه عمل بپوشاند. تیمورتاش از سال ۱۳۰۴ شمسی تا ۱۳۱۱ بعد از رضاشاه شخص دوم و همه کاره مملکت شده بود. نمایندگان مجلس توسط او مشخص و انتخاب می شدند، مذاکرات خارجی از جمله مذاکرات نفت با انگلستان و خیلی از کارهای مهم دیگر را یک تنه انجام می داد. در سال ۱۳۱۱ رضاشاه وزیر دربار را به خاطر ترسی که از قدرتش برای سلطنت خود داشت برکنار کرده و از بین برد و تا سال ۱۳۱۸ شمسی برای خود وزیر درباری تعیین نکرد. در سال ۱۳۱۸ شمسی رضاشاه یکی از معتمدان خود به نام محمود جم را که قبلاً در پست های مختلف امتحان صداقت و مطیع محض بودن خود را داده بود به وزارت دربار برگزید، ولی چون همچنان از قدرت گرفتن این مقام بیم داشت، اختیارات وزیر دربار قبلی را به او نداد و به همین علت وزارت دربار در این دوره (۱۳۲۰-۱۳۱۸ شمسی) قدرت چندانی در معادلات سیاسی کشور نداشت.

در این پژوهش در صدد پاسخ گفتن به یک سؤال اصلی و چندین سؤال فرعی هستیم، جوابی که به سؤال اصلی تحقق داده می شود، در واقع فرضیه اصلی این

پژوهش است. در قالب فصل های چهارگانه سعی می شود، سؤالات و فرضیه های مطرح شده را بررسی نمائیم.

سؤال اصلی کتاب:

چرا رضا شاه وزارت دربار را تشکیل داد و چرا جایگاه این وزارتخانه در دوره پهلوی اول دچار فراز و نشیب شد؟

سؤالات فرعی:

- ۱- وزارت دربار در دوره پهلوی اول چه وظایفی بر عهده داشت؟
- ۲- وزارت دربار قدرت خود را از چه منبعی می گرفت؟
- ۳- چه نوع رابطه و تعاملی بین وزارت دربار و شاه وجود داشت؟
- ۴- بین وزارت دربار و سایر وزارتخانه ها و نهادهای دولتی چه رابطه و تعاملی برقرار بود؟
- ۵- چرا وزارت دربار در زمانی کوتاه توانست قدرت فراوانی کسب کند؟
- ۶- وزارت دربار تا چه اندازه ای در امور کشور مداخله و نفوذ داشت؟
- ۷- چرا رضاشاه بعد از برکناری تیمورتاش وزارت دربار را به حالت تعطیل درآورد؟

۸- چرا رضاشاه در سال ۱۳۱۸ شمسی بار دیگر وزارت دربار را احیا کرد؟ فرضیه اصلی و فرضیات رقیب یا جانشین:

الف) فرضیه اصلی

رضاشاه بعد از رسیدن به سلطنت، وزارت دربار را به علت نیازی که در اداره امور کشور به این وزارتخانه داشت، تشکیل داد و این وزارتخانه به علت ناآگاهی رضاشاه در ابتدای سلطنتش از امور سیاسی توانست نقش مهمی در مناسبات سیاسی این دوره بازی کرده و اداره امور داخلی و خارجی کشور به جز امور نظامی را برعهده بگیرد. ولی از سال ۱۳۱۱ شمسی به بعد، رضاشاه که از قدرت این وزارتخانه برای سلطنت خود احساس خطر می کرد و دیگر نیاز چندانی به وزارت دربار نداشت، این وزارتخانه را منحل کرد.

ب) فرضیه رقیب یا جانشین

وزارت دربار در عصر پهلوی اول از اعتماد شاه به این وزارتخانه سوء استفاده کرده و با قبضه کردن تمامی امور کلیدی و حساس کشور در صدد خلع قدرت از شاه بود، ولی اقدامش توسط شاه خنثی شده و به تعطیلی وزارت دربار انجامید.

این کتاب در چهار فصل مجزا سازماندهی شده است:

در فصل اول سعی شده است تا پیشینه‌ای از وزارت به عنوان یک کل و وزارت دربار به عنوان جزئی از آن کل، در تاریخ ایران ارائه شود تا مشخص شود که این نهاد در طول تاریخ ایران چه جایگاه و چه وظایفی داشته است. نهاد وزارت در ایران در زمان سلسله‌های باستانی ایران شکل گرفت و همچون میراثی گرانقدر به دوره اسلامی انتقال پیدا کرد. در این فصل با رعایت اختصار سعی شده به سیر نهاد وزارت و کارکردهای آن از دوره باستان تا دوره پهلوی پرداخته شود. بحث بعدی این فصل وزارت دربار و تحولات آن می باشد.

در فصل دوم برای درک صحیح خوانندگان از اوضاع سیاسی حاکم بر زمان و مکان مورد پژوهش، ساختار سیاسی حکومت پهلوی اول به طور اجمال بحث شده است. البته این فصل، چیزی جدا از موضوع اصلی تحقیق نیست و در جای جای آن سعی شده تا نقش وزارت دربار در شکل گیری این ساختار حکومتی بحث شود. رضاخان سردار سپه با کودتای تمام انگلیسی توانست در فضای سیاسی و نظامی ایران مطرح شود و انگلیسی‌ها او را به عنوان بازوی نظامی کودتای خود برگزیدند. اتحاد با رجال و کانون‌های قدرت در واپسین سالهای حکومت قاجار گام مهم رضاخان برای تحکیم پایه‌های قدرت خود در ایران بود. او با اقدامات فریبکارانه توانست خود را به عنوان فردی ملی‌گرا و اصلاح طلب معرفی نموده که هدفی جز خدمت به ایران و اعتلای آن ندارد، با این روش توانست خود را به عنوان تنها گزینه جایگزین قاجارها برای حکومت معرفی نماید. او بعد از رسیدن به سلطنت به تمام آرمانهای انقلاب مشروطه پشت و پا زد و قدرت استبدادی خود را به ضرر نهادهای مدنی گسترش داد.

در فصل سوم به صورت موردی به وزارت دربار در عهد پهلوی اول پرداخته شده است که شامل چگونگی شکل گیری و قدرت گرفتن وزارت دربار و همچنین تشکیلات سازمانی و جایگاه وزارت دربار است. تیمورتاش که شناخت درست و صحیحی از روند حوادث سیاسی ایران پیدا نموده بود، خود را به رضاخان نزدیک نمود و همچون بازوی فکری و اندیشه‌ای او نقش مهم و بی بدیلی برای رسیدن رضاخان سردار سپه به مقام شاهی ایفا نمود. رضاخان با رسیدن به مقام شاهی چون خود آشنایی چندانی به امور سیاسی و اداری نداشت، تیمور تاش را به مقام وزارت دربار برگزید و به او اختیارات گسترده و نامحدودی به عنوان دستیار اول شاه در امور بخشید، که او با این قدرت توانست قدرت استبدادی شاه را در کشور نهادینه نماید.

اما این قدرت نامحدود وزیر دربار حسادت و سوء ظن رضاشاه را که خود با کودتا بر سر کار آمده بود، برانگیخت و سبب برکناری و قتل تیمورتاش گردید.

در فصل چهارم عملکرد وزارت دربار در تصدیگری تیمورتاش (۱۳۱۱-۱۳۰۴ شمسی) و محمود جم (۱۳۲۰-۱۳۱۸ شمسی)، و مقایسه آنها با هم آورده شده است. تیمورتاش با استفاده از اعتماد شاه توانست دخالت زیادی در امور داشته و دیگر ادارات و نهادهای قدرت را در حالت انفعال قرار داد. تیمورتاش غیر از امور نظامی که در اختیار رضاشاه بود، در بقیه امور مهم کشور نقش اصلی داشت و دولت و مجلس کاملاً در اختیار او قرار داشت. او خود ترکیب اعضای هیئت دولت و نمایندگان مجلس را مشخص می نمود و به این ترتیب قدرت نامحدودی پیدا نمود که رشک دیگر رجال سیاسی را برانگیخت. بعد از عزل و قتل تیمورتاش رضاشاه از ترس قدرت یابی دوباره وزارت دربار این نهاد را تعطیل نمود. رضاخان در سال ۱۳۱۸ شمسی محمودجم را که سرسپردگی زیادی به وی داشت به مقام وزارت دربار گماشت و دوباره این نهاد را احیا نمود، اما به آن قدرت زیادی نداد و دامنه اختیارات و دخالت های وی کاملاً محدود بود.

تألیف کتاب حاضر مشکلات متعددی از قبیل مشکل دسترسی و استفاده از منابع، محدود بودن فرصت مطالعاتی، وقت گیر بودن استفاده از کتابهای کتابخانه های عمومی را داشته که نگارنده در جریان تألیف این کتابها تمامی این مسائل درگیر بوده است، ولی انگیزه و میل شدید به شناخت گوشه ای از تاریخ حکومت پهلوی اول آنقدر جذاب و مورد علاقه بود که همه این مشکلات را آسان نموده و در سختی ها مشوق نگارنده برای ادامه کار بود.

بی تردید پیمودن این راه دشوار بدون همراهی و همکاری برخی از عزیزان مقدور و میسر نبود و بدون آنکه بخواهم به نام یکایک آنها اشاره داشته باشم، از همه دوستان و همکارانی که مرا در این پژوهش یاری نمودند، قدردانی و تشکر می کنم. از همین رو بر زحمات این فرزندان ارج می نهم و توفیق روزافزونشان را از خداوند بزرگ آرزو می کنم. در کنار این بزرگواران شایسته است از خانواده ام که در نگارش این پایان نامه رهین مساعدتها و تلاشهای بی شائبه شان بوده ام، از صمیم قلب قدردانی کنم.

جعفر آقازاده

اردیبهیل بهار ۱۳۹۳ خورشیدی